انترناسیونال ٧٣٠

کاظم نیکخواه

**دنیای تیره و تار حزب حکمتیست**

پاسخی به رحمان حسین زاده

رحمان حسین زاده از رهبری حزب حکمتیست در جایی شکوه میکند که چرا حزب کمونیست کارگری کوروش مدرسی را فعال مایشاء در حزب حکمتیست معرفی میکند و انتظار دارد که با جدایی او جهت گیری حزب حکمتیست تغییر کند. او میگوید سیاستهای ما صرفا توسط این شخص تعیین نشده و همه در آن سهمیم هستیم. (نقل به معنا) واقعیت نشان میدهد که رحمان حسین زاده در این مورد که راست روی حزب حکمتیست فقط به مدرسی ها مربوط نیست حق دارد. ما باید این برخورد خودرا تصحیح کنیم.

اخیرا در نوشته ای تحت عنوان "ما گفتیم رای به روحانی رای به خامنه ای است" رحمان حسین زاده بعد از مدال دادنهای متعدد به حزب خود بخاطر اینکه فهمیده اند و گفته اند که روحانی و خامنه ای فرقی ندارند (عجب کشفی عمیقی!)، افاضاتی بی پایه علیه حزب کمونیست کارگری را تکرار کرده است. او میگوید " چند ماه قبل از بساط انتخابات اعلامیه ما تاکید کرده، "شرکت در معرکه گیری انتخاباتی جمهوری اسلامی به هیچ وجه توجیه بردار نیست" و با حکم مصلحت گرایانه و سطحی "رای سلبی" نباید شرکت هیچ بخشی از مردم را توجیه کرد. بعضی از نیروهای چپ با علم کردن "رای سلبی و رای اعتراضی" همین کار را کردند. لیدر حزب کمونیست کارگری، حمید تقوایی بحث "رای سلبی" را دوباره به میان کشید ... صاحبان این احکام که عملا شرکت مردم در مضحکه های انتخاباتی جمهوری اسلامی را توجیه میکنند، اکنون بعید است بتوانند تنها دو دقیقه از سیاست اپورتونیستی خود دفاع کنند!" (جدا؟!)

به لحن نا متناسب و پر از تبختر او در این نوشته کاری ندارم. او در یک مصاحبه تلویزیونی هم بحثهای کهنه و قبلا جواب گرفته را با لحنی ناجور تکرار میکند. وقتی کمی در همین جملات فوق دقت کنیم روشن میشود که این درست همان روش و منطق راستی است که حزب حکمتیست در سال ٨٨ به آن متوسل شد و در اوج تظاهراتهای میلیونی مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی با یک موضع بغایت ارتجاعی اعلام کرد که "در این اعتراضات سرنگونی طلبی مشاهده نمیشود" و کل اعتراضات را به طرفداری از موسوی و کروبی نسبت داد و آنرا محکوم کرد و آنرا "لجن" خواند و به مردم گفت در خانه بمانید و امثال اینها. هنوز هم همین خط و ارزیابی راست و مسموم را دنبال میکند. من در جایی حزب حکمتیست را با عنوان "حزبی با عینک سیاه" خطاب کردم (بن بست حزبی با عینک سیاه) و بطور واقعی این حزب از منطقی پیروی میکند که دنیا را تیره و تار می بیند و هر حرکت مردم را به حساب جریانات راست می نویسد و به همین هم به جریانات راست خوراک میدهد و خودرا فلج و زمین گیر کرده است.

رحمان حسین زاده بر همین اساس اکنون هم میگوید رای بخشی از مردم به روحانی رای به خامنه ای است. کسی که ذره ای واقعیات جامعه ایران را بشناسد و در هپروت خود غرق نباشد میفهمد که رای مردم در اساس خود نه به خامنه ای و نه حتی به روحانی است. موضع و ارزیابی حسین زاده در بهترین حالت بی پایه است. از نظر او آن بیست و یک میلیون نفری که بنا به آمار حکومت به روحانی رای دادند رایشان به خامنه ای بوده است. طبعا چند میلیون رای به ابراهیم رئیسی هم رای به خامنه ای است . و در نتیجه بنا به ارزیابی "عمیق و داهیانه" حزب حکمتیست و حسین زاده موجود خبیث و منفوری بنام خامنه ای از حمایت سی چهل میلیونی مردم یعنی اکثریت مردم در جامعه بر خوردار است.( ایشان بحثی در مورد کم و زیاد بودن و تقلبی بودن آمار حکومت هم نکرده است. اما اگر آنرا هم به حساب بیاوریم باز تغییری در اساس این بحث بغایت راست و بی پایه نمیدهد). این موضع و تبلیغ اینکه خامنه ای از رای بالای مردم در جامعه برخوردار شده بطور واقعی با هیچ عقل سلیمی خوانایی ندارد و خواه ناخواه خوراک دادن به جناح راست حکومت است. و این از زبان یک فعال چپ دارد بیان میشود. ایشان با لحنی پر از تبختر جامعه ای را که سرتاپایش از نفرت از خامنه ای و حکومت اسلامی و روحانی دارد میجوشد و هرروز به شکلی اعتراض و خشم خودرا دارد بیان میکند، طرفدار خامنه ای و جمهوری اسلامی معرفی میکند. و این آن موضع ناجوری است که یک دقیقه هم قابل دفاع نیست. ذره ای درک و تحلیل اصولی و نگاه واقعی و چپ داشتن کافی است تا انسان متوجه شود که که این موضع از جاهای بسیار بدی سر در می آورد.

هرکس که کمترین ارتباط و ربطی به رویدادها و اعتراضات اجتماعی کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و زنان و مالباختگان و اکثریت مردم جامعه داشته باشد میفهمد که در این جامعه خامنه ای منفورترین چهره در میان مردم است و جمهوری اسلامی مورد خشم و نفرت اکثریت عظیم مردم است. هرروز مردم دارند به شکلی اعتراض و نفرت خودرا از جمهوری اسلامی و خامنه ای بیان میکنند. و اوج آن سال ٨٨ با شعارهای میلیونی مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور بود. که آن فریاد دهها میلیونی را هم حزب حکمتیست نشنید و به آن پشت کرد. رحمان حسین زاده و حزب حکمتیست معلوم نیست که در کدام کره زندگی میکنند که یک مرتبه از ترکیب کابینه روحانی به این نتیجه میرسد که رای بخشی از مردم به روحانی رای به خامنه ای است و از اینجا ما را مورد تعرض و هتاکی قرار میدهد. جامعه دارد فریاد میزند که مردم هم از خامنه ای، هم از کل حاکمیت اسلامی و هم از روحانی و دم و دستگاه دولتیش متنفرند.

یک سوال که از حسین زاده باید کرد اینست که آیا رای بخشی از مردم در سال ٧٦ به خاتمی هم رای به خامنه ای بود؟ جواب او مثبت است. رحمان حسین زاده در این نوشته به این سوال جواب مثبت میدهد و میگوید " در دوره های گذشته هم زیر فشار و یا با هر توجیهی آن بخش از مردم که در این بساط شرکت کردند، فقط به جانیان و سرکوبگران خود رای داده و اشتباه کرده اند"

اینکه بخشی از مردم با شرکت در انتخابات اشتباه کرده اند یک بحث است اما اینکه تمام رای های مردم رای به خامنه ای است فقط از یک ذهن غیر متوازن و اسیر منطق راست بیرون می آید. جالب است که این حزب خودرا "حکمتیست" میخواند و وانمود میکند که از نظرات منصور حکمت پیروی میکند. بگذارید همینجا سیاه روی سفید نظر منصور حکمت را در مورد انتخاب خاتمی بیاوریم. منصور حکمت در یک اعلامیه به تاریخ ٧ خرداد سال ٧٦ با امضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چنین نوشته است: "مردم وسيعا به خاتمى راى دادند، اما خاتمى منتخب هيچ مردمى نيست. در يک انتخابات آزاد که سهل است، حتى در انتخاباتى از نوع انتخابات ترکيه و پاکستان، امثال اين موجودات صد راى نمياورند. مردم به خاتمى راى دادند چون قصد از ميان بردن اين رژيم را دارند و خاتمى و قدرت گيرى جناح مدافع او را ابزارى مى دانند که مى تواند فروپاشى رژيم اسلامى را تسهيل و تسريع کند. اين آن حقيقتى است که همه، مردم، رژيم، رسانه ها، دول غربى و حتى محافل اپوزيسيون ملى کند ذهن و تازه دمکرات رژيم بخوبى مى دانند."

آیا رحمان حسین زاده در مورد این بحث منصور حکمت که بارها هم از زبان او تکرار شده میتواند همان عبارات نازلی را بکار گیرد که که به سوی موضع کنونی حزب کمونیست کارگری پرتاب کرده است؟

روشن است که نه منصور حکمت و نه ما بهیچ وجه خواهان شرکت مردم در انتخابات کذایی حکومت نبودیم و هیچگاه آنرا تبلیغ نکرده ایم و نخواهیم کرد. برعکس حزب کمونیست کارگری از زمان منصور حکمت تاکنون سیاست "بایکوت انتخابات و خراب کردن بساط انتخابات بر سر رژیم" را تبلیغ کرده است. اما مردم هرچند هم با این سیاست موافق باشند در عمل توازن قوا را میسنجند و به شیوه خود عکس العمل نشان میدهند. این آن نکته ای است که جریانات راست و ملی اسلامی و توده ای – اکثریتی آنرا کتمان میکنند و برخی جریانات چپ پا در هوا و سطحی نیز با یک ژست چپ مآبانه آب به آسیاب سیاستهای آنها میریزند.